

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

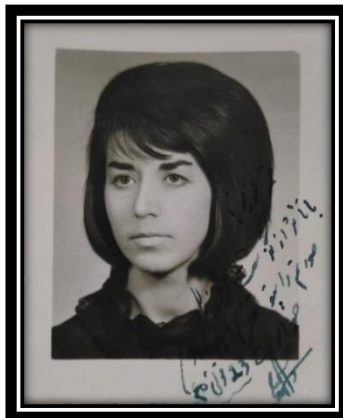


۲۰۲۰/۰۱/۱۲

قمر یلدا کرزی



## بیاد استاد نستوه و فرهیخته بانو وسیمه عباسی



با تأثر و تألم عمیق خبر وفات بانوی شایسته و روشن ضمیر وسیمه عباسی را امروز در فیسبوک خواندم سخت متأثر شدم و اشک ریختم و از ته دل به همه فامیل محترم شان ، دوستان ، اقارب ، و شاگردان شان تسلیت عرض میدارم و صبر جمیل از بارگاه ایزد متعال استدعا دارم، مرگ این خانم شایسته، استاد حاذق و مربی آگاه تأثر عمیق را در فکر و روانم ایجاد کرد که توانایی نوشتن و تسلسل کلام را از من ربود، او ستاره ای در بین زنان نهضت خواه و اهل ادب و فرهنگ در معارف وطن بود، در تربیت اولاد وطن دلسوزانه کوشید، احساسات لطیف سادگی و محبت طبع ملایم و دل پر مهر داشت داشت، متین و با وقار و بزرگمنش بود ، نویسنده ژرفنگر، شاعر شیرین کلام و عاشق وطن اش افغانستان بود . برای آزادی، دیموکراسی، عدالت اجتماعی، جامعه مدنی، حقوق بشر، رفاه و ترقی اجتماعی در طول عمرش کوشید در خیلی از سمینار ها و کنفرانس ها و مجالس بخاطر بهبود وضع افغانستان سهم فعال گرفت او

از زنان مبارز و خیره و از چهره های برجسته تاریخی، ملی و سیاسی وطن است.

بانو وسیمه عباسی در روز گار تلخ مهاجرت، تنهایی، دل‌تنگی ، درد و آزردهی خاطر، آن زن با وقار مانند یک کوه استوار ایستاد. او روئینا و آهنین بود مثل همیشه یک فرشته ای از عطف و مهربانی، محبت و صمیمیت بود، مرحومه بانو وسیمه عباسی مقالات و آثار زیادی از خود بجا مانده که در مجلات و جراید مختلف به چاپ رسیده و از آن جمله در مجله آئینه افغانستان است دو کتاب به نشر رسانیده بنام «نهضت زنان در افغانستان» و «خورجین مسافر» که خاطراتی را که با درد و الم توأم است گفته است.

مرحومه به زبانهای دری و پښتو انگلیسی و فرانسوی دسترسی داشت او در لیسه شاهدخت بلقیس فعلاً «جمهوریت» استاد تاریخ و زبان و ادبیات دری بوده و بعد ها در لیسه ملالی معلم لسان فرانسوی بوده است . این مادر معنوی شاگردان زیادی تربیت و به جامعه تقدیم کرد.

روح اش را شاد میخوام، از صد ها خاطره نیک و فراموش ناشدنی اش منحیث یک شاگردی که خیلی احترام برایش قایل بودم برایتان مینویسم:

امتحانات سالانه ختم شد و برای گرفتن نتایج مکتب رفتم، استادم مرحومه بانو عباسی مرا به اتاق معلمین خواست و یک محموله را بدستم داد و برایم گفت: ادبیات دری را فراموش نکنی! برایش وعده دادم که حتماً اطاعت میشود، وقتی تحفه را باز کردم یک قطعه عکس اش را که درین صفحه گذاشته ام دیدم و بروی آن این متن نوشته شده بود «با تأثر از گذشت روزگار صورتم را بتو تقدیم میدارم»، و سه جلد کتاب از شکسپیر، ویکتور هوگو و شیلر، من از دیدن این تحایف خود را گم کرده بودم و از خوشی ها فریاد میزدم برای من یک احترام و ارزش و ارجگزاری بود از طرف یک استاد. این کار معمول نبود من ارزش و مقام و تواضع او را یافتم و به خود بالیدم ، این حرکت استاد بزرگوارم یک تشویق و ترغیب من به شعر و ادب و مطالعه بود.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۱

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولۍ